

تصمیم مجلس ایران در تروریستی خواندن تنها نیروهای سنتکام بوی ضعف می دهد؛ ایران باید تمام نیروهای ارتش آمریکا را در هر نقطه جهان تروریست بداند.

در واکنش به تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران:



به گزارش اسپادانا خبر، حسین شریعتمداری در یادداشت روز روزنامه کیهان نوشته است:

تصمیم اخیر ترامپ در وارد کردن سپاه به فهرست گروه‌های تروریستی! اگرچه به تنهایی از کمترین ارزش سیاسی و یا نظامی برخوردار نیست ولی شواهد موجود حکایت از آن دارند که این تصمیم با هدف آزمون ایران اسلامی اتخاذ شده است و دنباله آن به چگونگی برخورد جمهوری اسلامی با این تصمیم بستگی دارد و چنانچه با واکنش هوشمندانه و مقتدرانه ما روبرو شود می‌توان و باید آن را یک فرصت طلایی و استثنایی تلقی کرد که در آستانه سال نو به ایران اسلامی هدیه شده است. بخوانید!

۱- ابتدا باید گفت که ترامپ احمق هست ولی برخلاف برخی از تصویرهای رایج، دیوانه نیست، او چهره بدون روتوش آمریکاست، همان دست چدنی اواماست که از دستکش مخملین بیرون آمده است. ترامپ گزینه حزب جمهوریخواه آمریکاست که فیلترهای چندگانه درون حزبی را پشت سر گذاشته و از سایر نامزدهای این حزب برای نامزدی ریاست جمهوری آمریکا مناسب‌تر تشخیص داده شده است. توجه به این نکته از آنجا اهمیت دارد که نباید به تصور دیوانه بودن ترامپ، اقدامات او را بی‌حساب و کتاب تلقی کنیم و از این رهگذر در محاسبات خود به خطا برویم. بله، ترامپ احمق هست، آنهم از نوع احمق‌های درجه یک (به تعبیر حکیمانه حضرت آقا) ولی حماقت او برخاسته از حماقت مثال‌زدنی سیاست‌پردازان آمریکا در فهم ماهیت انقلاب اسلامی است که در بسیاری از موارد محاسبات آنان را با نتیجه معکوس روبرو کرده است. به قول برتراند راسل، فیلسوف شهیر انگلیسی: «گزارشی که یک فرد احمق درباره سخنان یک انسان باهوش ارائه می‌کند، هرگز دقیق و قابل اعتماد نیست، چرا که او آنچه می‌شنود را به آنچه می‌تواند بفهمد ترجمه می‌کند». همین جا بی‌انصافی است اگر به این نکته اشاره نکنیم که رهبر معظم انقلاب ترامپ را «دیوانه نما» نامیده‌اند و بعدها «نیکی هیلی» نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل اعتراف کرد از جانب ترامپ ماموریت داشته از او چهره یک دیوانه را به جهانیان ارائه کند تا باعث وحشت آنان و تن دادن به خواسته‌های ترامپ شود!

۲- اقدام اخیر ترامپ در وارد کردن سپاه به فهرست گروه‌های تروریست اگرچه احمقانه است و با هیچیک از موازین و قوانین حقوق بین‌الملل انطباق ندارد ولی این اقدام را باید تصمیم تمامیت نظام حاکم بر آمریکا دانست و نه یک رئیس‌جمهور دیوانه! تفاوت این دو نگاه، آن است که در نگاه اول، دست روی دست می‌گذاریم و یا، به امید اینکه با تصمیم ترامپ از درون حاکمیت آمریکا مقابله شود، واکنش جدی نشان نمی‌دهیم. شبیه اقدام اخیر نمایندگان محترم مجلس که کلیات طرح دو فوریتی علیه اقدام اخیر ترامپ را تصویب کرده‌اند ولی تصویب نهایی را به تصمیم یک هفته بعد کنگره و در صورت موافقت کنگره با تصمیم ترامپ موکول کرده‌اند! و اما نگاه دوم، تصمیم کنگره را هم بخشی از تصمیم ترامپ می‌داند و منتظر تصمیم کنگره نمی‌ماند. در این حالت پاسخ آمریکا را بدون فوت وقت پیش رویش می‌گذارند و ابتکار عمل را در اختیار می‌گیرند. چرا که موکول کردن واکنش نظام به تصمیم یک هفته بعد کنگره- بدون تعارف- نوعی عقب‌نشینی و به معنی آن است که انگار این کنگره آمریکاست که باید برای ما تصمیم بگیرد!

۳- آمریکا اعلام کرده است که تصمیم خود را با هدف جلوگیری از حضور و فعالیت سپاه در منطقه گرفته است! این ادعا در حالی است که؛ اولاً؛ حضور و فعالیت سپاه در منطقه بر عهده نیروی قدس است و این نیرو از چند سال قبل در فهرست آمریکایی گروه‌های تروریستی(!) قرار دارد. ثانیاً؛ آمریکا و متحدان غربی و عبری و عربی آن طی سال‌های اخیر نه فقط از روبرویی با نیروی قدس ناتوان بوده‌اند بلکه در تمامی روبرویی‌های منطقه- تاکید می‌شود که در تمامی روبرویی‌ها- میدان را به نفع سپاه خالی کرده‌اند. سوریه، عراق، لبنان، فلسطین، افغانستان و مخصوصاً قلع و قمع تروریست‌های وحشی داعش

نمونه‌هایی مثال‌زدنی از شکست‌های مفتضحانه آنهاست. امروز جنگ یمن که با پیش‌بینی احمقانه آمریکا و آل‌سعود، قرار بود حداکثر ظرف یک هفته تمام شود، وارد پنجمین سال خود شده است. الگوی انصارالله یمن نیروی قدس سپاه است و... بنابراین آمریکا اگر توان مقابله با سپاه را داشت در تمامی درگیری‌ها، میدان درگیری را به نفع سپاه ترک نمی‌کرد و آقای ترامپ مجبور نبود بعد از

۷ تریلیون دلار هزینه، دزدانه و با چراغ خاموش وارد عراق شود. اما حماقت آمریکا (و نه فقط ترامپ) فرصتی استثنایی در اختیار ایران اسلامی گذارده است. چگونه؟!

۴- آمریکا یک نیروی نظامی رسمی از یک نظام حکومتی مستقر را تروریست اعلام کرده است. این اقدام اگرچه برای اولین بار در دنیا صورت می‌پذیرد و در تقابل با قوانین و حقوق شناخته شده بین‌المللی است و ما در اولین اقدام ضروری باید ارتش آمریکا را تروریست اعلام کرده و این اقدام را در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسانیم اما متأسفانه مجلس ما اولاً؛ تصمیم در این باره را به تصمیم هفته آینده کنگره آمریکا موکول کرده است! و ثانیاً؛ تنها نیروهای سنتکام (States United) و آفریقا شرق، آسیا غرب منطقه در آمریکا ارتش نیروهای کل فرماندهی ستاد شامل که (Central Command-CENTCOM) آسیای مرکزی است را تروریست اعلام کرده است! مگر آمریکا تمام نیروهای سپاه را تروریست نمی‌داند؟! چرا ایران نباید تمام نیروهای ارتش آمریکا را در هر نقطه جهان که هستند، تروریست بداند؟! این تصمیم - با عرض پوزش- بوی ضعف می‌دهد!

۵- سپاه یک نیروی نظامی رسمی در جمهوری اسلامی ایران است و تروریست دانستن آن با توجه به ضرورت مقابله با تروریسم به معنی آن است که آمریکایی‌ها به خود حق می‌دهند با نیروهای سپاه در هر نقطه‌ای که باشند برخورد نظامی بکنند. بدیهی است که با تروریست دانستن ارتش آمریکا، این حق برای ما نیز محفوظ خواهد بود که نیروهای نظامی آمریکا را در هر نقطه‌ای که یافتیم به عنوان عوامل تروریست قلع و قمع کنیم. مثلاً اگر به آب‌های سرزمینی ایران در خلیج فارس وارد شدند آنها را بازداشت و به اشد مجازات برسانیم. در این حالت بهانه‌هایی مثل اشتباه در جهت‌یابی نیز قابل قبول نخواهد بود چرا که تروریست، تروریست است چه راه گم کرده باشد و چه به نشان آمده باشد!

۶- ما از امکانات و دسترسی‌های فراوانی برای پاسخ دندان‌شکن و پشیمان‌کننده به آمریکا و متحدانش برخورداریم که نباید آنها را از دست بدهیم. مخصوصاً آنکه بعید نیست کنگره آمریکا با مشاهده قاطعیت ایران اسلامی، از تصویب تصمیم ترامپ صرف‌نظر کند که در این صورت فرصت به دست آمده را از دست خواهیم داد! از جمله این امکانات، تنگه هرمز است. بخوانید!

۷- هشت سال قبل- آذرماه 1390- در حالی که کنگره آمریکا قانون تحریم نفتی کشورمان را در دستور کار داشت، طی یادداشتی آورده بودیم که در صورت تحریم صدور نفت ایران بهترین و موثرترین راه مقابله با آن، بستن تنگه هرمز به روی نفتکش‌هایی است که از این آبراهه عبور می‌کنند و با استناد به مواد 14 تا 23 کنوانسیون 1958 ژنو و مواد 17 تا 37 کنوانسیون 1982 جامائیکا نوشته بودیم که در شرایط یاد شده، مسدود کردن این تنگه حق قانونی ما نیز هست. این پیشنهاد بلافاصله با واکنش رسانه‌های آمریکایی، اروپایی و برخی از کشورهای عربی روبرو شد. روزنامه فرانسوی لوموند با اشاره به یادداشت کیهان نوشت: ایران توان بستن تنگه هرمز را دارد و تصویب قانون تحریم نفتی ایران در کنگره می‌تواند برای آمریکا و اروپا و متحدان منطقه‌ای آنها پشیمان‌کننده باشد. روزنامه آمریکایی بوستون گلوب نیز این تهدید را جدی تلقی کرد و نوشت: ایران عملاً هر لحظه که بخواهد می‌تواند تنگه هرمز را ببندد و این امر باعث قطع صادرات میلیون‌ها بشکه نفت در روز خواهد شد، بستن تنگه هرمز، شدیدترین پاسخگویی علیه منافع آمریکا خواهد بود و علاوه بر آن، رشد انفجاری قیمت نفت فقط در چند روز منجر به فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر برای اقتصاد غرب خواهد شد. احمد العطار مفسر اماراتی و کارشناس برجسته امور دفاعی و انرژی گفته بود: مین‌گذاری در خلیج فارس به ویژه در تنگه هرمز اصلی‌ترین تهدیدی است که باید مدنظر داشت. وی خاطرنشان می‌کند که در سال 1988، ناو آمریکایی ساموئل بی‌راپرتز با مین کار گذاشته شده از سوی ایران برخورد کرد و تقریباً نابود شد. العطار گفته بود: ایجاد میدان گسترده مین باعث ایجاد اختلال شدید در ترانزیت نفت و تجارت دریایی در خلیج فارس می‌شود و مقابله با آن تقریباً غیرممکن است. آژانس اطلاعات انرژی آمریکا در همان ایام با اشاره به اینکه، تنگه هرمز تنها راه آبی 8 کشوری است که در مجاورت آب‌های خلیج فارس قرار دارند، مسدود شدن آن را فاجعه‌آمیز ارزیابی کرد و... ده‌ها واکنش برخاسته از وحشت غرب که احتمال بسته شدن تنگه هرمز در آن روزها- یعنی 7 سال قبل- به دنبال داشت، گفتمانی است این واکنش‌های آمیخته با دلهره کشورهای غربی و برخی کشورهای عربی درحالی بود که توان نظامی هشت سال قبل جمهوری اسلامی ایران با امروز حتی قابل مقایسه هم نبوده و نیست.

۸- مگر نه اینکه آمریکا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تروریست و در نتیجه برخورد نظامی با آن را ضروری می‌داند!- البته هرگز جرأت چنین غلط‌های زیادی را نداشته و ندارد چرا که نیروها و پادگان‌های آمریکا نه فقط در منطقه غرب آسیا بلکه در بسیاری از نقاط دیگر دنیا در تیررس ما قرار دارند، ضمن آن که متحدان آمریکا از جمله رژیم صهیونیستی و عربستان و امارات و بحرین نیز نمی‌توانند از مجازات در امان باشند- بنابراین عبور ناوهای جنگی و کشتی‌های تجاری آمریکا و متحدانش، امنیت ایران اسلامی را تهدید می‌کند و ایران با استناد به مواد یاد شده از دو کنوانسیون ژنو و جامائیکا می‌تواند و حق دارد به آنان اجازه عبور از تنگه هرمز را ندهد. گفتمانی است، علاوه بر حق قانونی ایران برای بستن تنگه هرمز که در دو کنوانسیون مورد اشاره آمده است، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استناد به حق اقدام متقابل یا تلافی‌جویانه -REPRISAL- که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است نیز تنگه هرمز را مسدود کند. تنگه هرمز باید به روی برخی از کشورهای عربی نظیر عربستان، بحرین و امارات که با این تصمیم آمریکا همراهی کرده‌اند نیز بسته شود. توضیح آنکه بند 4 از ماده 14 و بند یک از ماده 16 کنوانسیون 1958 ژنو، تشخیص بی‌ضرر بودن عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز را برعهده کشور ساحلی- در اینجا، جمهوری اسلامی ایران- گذارده است.

۹- نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که وقتی شماری از مسئولان با بهانه‌های موهوم به سپاه حمله می‌کنند و این نهاد برخاسته از انقلاب را که شهادت در راه خدا و پاسداری از جان و مال و نوامیس مردم را در شناسنامه درخشان خود دارد، زیر سؤال می‌برند، خواستار بازگشت سپاهیان و ارتشیان به پادگان‌ها می‌شوند! حضور منطقه‌ای سپاه را که ضامن جان و مال و ناموس خودشان نیز هست بی‌فایده می‌دانند! دوران موشک را تمام شده معرفی می‌کنند! نمایش موشکی سپاه را تحریک دشمن می‌دانند! ویا علی‌رغم کلاه گشادی که برجام به ملت تحمیل کرده است حاضر به ترک این معاهده ذلت‌بار نیستند! به جای عبرت گرفتن از خسارت محض برجام، در پی تحمیل FATF و CFT هستند و... بدیهی است که آمریکا از این وادادگی‌ها

پیام ضعف دریافت کرده و جسارت پیدا می‌کند که سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی جای دهد! خوشبختانه اخیراً برخی از همان‌ها مواضع قبلی خود را تصحیح کرده‌اند که امید است بار دیگر مانند دفعات قبل از مواضع خود عدول نکنند.

برچسب‌ها: [سپاه پاسداران](#) [1]

[تروریسم](#) [2]

[حسین شریعتمداری](#) [3]